



## مردم سالاری، بیعت و ولایت

پدیدآورنده (ها) : مصباح، سید وحید

علوم اجتماعی :: نشریه پژوهش های اجتماعی اسلامی :: مرداد و شهریور ۱۳۸۷ - شماره ۷۱ (ISC)

صفحات : از ۱۸۳ تا ۲۰۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/345338>

تاریخ دائلود : ۱۴۰۲/۰۲/۱۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- تبیین تطبیقی نظم عمومی و نظام در حوزه حقوق جمهوری اسلامی ایران و فقه شیعه
- تقیه؛ راهبرد اصلاحی و صیانت از حق
- نظم عمومی
- تحلیلی بر جایگاه نظم عمومی، در نظام حقوقی ایران
- جایگاه مردم در حکومت نبوی
- مفهوم قدرت و نظم عمومی در اندیشه پسامدرن
- تعلیق اجرای قواعد بین‌المللی حقوق بشر در وضعیت‌های عمومی فوق‌العاده
- تکنولوژی و دینداری (۶)؛ تکنولوژی ارتباطات و دینداری
- مردم سالاری دینی پاسخ بنیادین حکومت دینی
- کاربرد الگوها، روشها و مفاهیم محوری نظریه اجتماعی و علوم اجتماعی در تاریخ (۲): کاربرد مفاهیم محوری نظریه اجتماعی و علوم اجتماعی در تاریخ
- دولت و نظم عمومی
- تاریخی بدون تاریخ (فلسفه، تاریخ و زمانمندی در اندیشه آلتوسر)

## عناوین مشابه

- مردم سالاری با نگاه به آیات بیعت در قرآن و سیره معصومان (ع)
- ولایت فقیه و مردم سالاری
- ولایت مطلقه فقیه و مردم سالاری از منظر فقه امامیه با تأکید بر محوریت مردم سالاری دینی امام خمینی(ره)
- ولایت فقیه و مردم سالاری در نظام دموکراتیک
- مردم سالاری دینی و ولایت فقیه
- نقد و بررسی دو دیدگاه دموکراسی غربی و مردم سالاری دینی از نگاه روشنفکران ایرانی
- نگاهی به ویژگی‌های مردم سالاری دینی و مسئله مشارکت سیاسی در عصر حاضر؛ مشارکت مردمی رویکردی دینی
- مردم سالاری دینی، مردم سالاری لیبرال؛ منزلت و مرتبت عدالت در نزد آن دو
- مردم سالاری دینی؛ معنا، کارکرد و وجوه تمایز
- مردم سالاری دینی و غیردینی؛ وجوه تمایز و تشابه

# مردم سالاری، بیعت و ولایت

سید وحید مصباح



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

## چکیده

از شمار مهم‌ترین مسائلی که در حوزه‌ی عمومی و مدیریتی جامعه در جهان امروزی مطرح است، و این اهمیت پس از تجربه‌ی حکومت دینی در ایران و عرضه‌ی الگوی مردم سالاری دینی از سوی آن، بیشتر شده است، همانا مردم سالاری یا دموکراسی می‌باشد. طبعاً مردم سالاری، به ویژه همچون روش در نظام‌های فکری - اعتقادی قبض و بسط‌هایی یافته و خواهد یافت، و اندیشمندان دینی و حتی غیردینی نیز تلاش دارند تا با استفاده از منابع و مفاهیم دینی، مانند بیعت، شوری و... به این پرسش‌ها پاسخ دهند. در این نوشتار نیز نسبت میان مردم سالاری، بیعت و ولایت دنبال شده است. برای این مهم، نخست مدیریت مردم سالارانه‌ی جامعه و مراحل و

سازوکارهایش بازگو شده است. سپس بیعت از حیث شکل و محتوا و نیز ساحات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن کالبد شکافی و تحلیل گردیده و به این نتیجه می‌انجامد که مراحل و سازوکارهای مدیریت مردم سالارانه در بیعت حضور داشته و بیعت با همان سازوکارها عمل می‌نماید. از این روی بیعت، سازوکار مردم سالارانه‌ی ولایت نبوی، به مثابه حاکم سیاسی و مدیر جامعه می‌باشد، و ولایت همچون شأن حکومتی - سیاسی پیامبر در ساحات اجتماع و سیاست چهار مرحله و سازوکار یاد شده در اداره‌ی مردم سالارانه‌ی جامعه را در بر داشته و با آن روش به صورت و سیرت اجرایی و عملیاتی در می‌آید.

**واژگان کلیدی:** ولایت، بیعت، مردم سالاری، ابده، اخلاق، ارزش‌ها.

## مقدمه

از شمار اصول و قواعد راهبردی در فرایند توسعه و تکامل حیات فردی و اجتماعی آدمیان همانا پرسش‌گری و زایش مسائل می‌باشد. سرچشمه‌ی پرسش‌ها و مسائل بس متفاوت و گوناگون است که از شمار مهم‌ترین آنها می‌توان از پرسش‌هایی نام برد که از زمینه و متن برون می‌آیند، یعنی ایستارهایی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، باوری و نهادی که در جامعه‌ای پدیدار شده و سطوح مختلف آن را پوشش می‌دهد، پرسش‌هایی را می‌رویند و مسائلی را فراروی انسان‌ها قرار می‌دهد که ناگزیر از پاسخ دهی و گره‌گشایی می‌باشیم. نظم سوسیالیستی - کمونیستی پرسش‌های پولی و مالی، اجتماعی و فرهنگی، اعتقادی و اخلاقی، مدیریتی و سیاسی در متن جوامع غربی و شرقی و نیز کشورهای اسلامی را عرضه داشت و پدید آورد.

نظم نئولیبرالیسم در جهان معاصر ایستارها و مسائل متنوعی همچون تجارت آزاد کالا و خدمات، گردش و جریان آزاد سرمایه، آزادی در سرمایه‌گذاری، خصوصی سازی ساحات و منابع عمومی و مشروع جلوه دادن گونه‌هایی از

نابرابری اجتماعی، اقتصادی، سیاسی آدمیان و... را فراروی جوامع بشری به مثابه مسائل لازم قرار داده است.

بازسازی و بازیابی هویت سیاسی، اجتماعی و مدیریتی اسلام در سه دهه‌ی گذشته و به ویژه پس از پذیرش حکومت و نظم دینی از سوی مردم ایران و باز نمود آن نظم در قالب جمهوری اسلامی، طبعاً پرسش‌ها و مسائلی فراوان و اساسی را برای محیط پیرامونی - بیرونی و نیز محیط درونی و داخلی ایجاد نموده است. از شمار مهم‌ترین آن مسائل ترسیم جایگاه مردم سالاری یا دموکراسی در نظام حکومتی دینی است. این که مردم سالاری در نظم دینی چه صورت دارد و یا می‌تواند داشته باشد و دلایل و شواهد آن کدام است.

اندیشمندان و صاحبان فکر در این زمینه قدم‌ها و قلم‌های بلندی برداشته و نگاه‌شده‌اند. از شورا، بیعت و رفتار و گفتار حکومتی پیامبر ﷺ و علی علیه السلام در تبیین و ترسیم مردم سالاری دینی مدد جسته‌اند. البته هر کدام از زاویه‌ای بدان نگریسته و از آن سخن رانده‌اند، اما میدان تأمل و تفکر در این باب همچنان گشوده و باز می‌باشد. سرش را در دو چیز می‌توان جستجو کرد:

- ۱) هویت متنوع و تکامل پذیر مردم سالاری؛
- ۲) ظرفیت بالای اسلام در پذیرش تنوع و نیز رویکردهای گوناگونی که به حکومت دینی شده است.

بنابر این، نوشتار حاضر تلاشی است در جهت تبیین و تحلیل مردم سالاری در نظم دینی، که به واسطه‌ی پیامبر ﷺ عرضه و مدیریت گردید.

### مردم سالاری در حکومت نبوی

از گذشته‌های بسیار دور (حداقل از چند صد سال پیش از میلاد) بدین سوی مردم سالاری در جوامع انسانی تجربه شده و به اداره شوون سیاسی و اجتماعی آنها معطوف بوده است. در فراگشت تجربه، افزایش‌ها و کاهش‌های نهادی، ساختاری، اصولی، ارزشی و حقوقی بر آن رفته است. البته بیشتر توسعه‌ی

افزایش‌ها برجسته می‌نماید. باز یاد تمامی صورت‌های تاریخی - تکاملی آن در این مقام نه میسور است و نه لازم و منطقی. به تصویر زیر که به نظر می‌رسد لوازم نهادی، اصولی، ارزشی، فکری و حقوقی آن را نیز طوری بازمی‌تاباند که در حکومت نبوی نیز قابل تفسیر و اجرا هستند، بسنده می‌نمایم.

مردم سالاری: مردم سالاری، همچون روش مدیریت جامعه‌ی انسانی، بر ساخته و برآمده از عناصر و مراحل ذیل می‌باشد:

۱) درون‌داد؛

۲) فرایند؛

۳) بازخورد؛

۴) برون‌داد.

البته این عناصر و مراحل در دیگر شیوه‌ها و شکل‌های مدیریتی در حوزه‌های صنعتی، اقتصادی و فنی نیز وجود داشته و اعمال می‌گردد. اما محتوا و مجموعه‌ی عملکردهایی که در آن مراحل در شکل مردم سالارانه‌اش انجام می‌پذیرد آنها را از هم متمایز می‌سازد.

درون‌داد: درون‌داد در روش مدیریت مردم سالارانه‌ی جامعه این است که پیام، طرح و برنامه‌ی اجرای آنها برای عموم مردم یا مجموعه‌های ذی ربط عرضه شود. و آنها را در جریان امور و مسائل قرار دهد.

در این مقام سخن از اقدام نیست، بلکه تنها شفاف سازی و آگاه نمودن مردم می‌باشد. دقیقاً تمایز درون‌داد روش مردم سالاری با دیگر روش‌های مدیریتی در این مرحله و عنصر در همین نکته نهفته است، زیرا در روش‌های مدیریتی غیر مردم سالارانه هیچ‌گونه الزام و التزام حقوقی، اخلاقی و عملی از سوی مسئولین و مدیران جامعه بر این که طرح‌ها و برنامه‌های اداره‌ی جامعه را در معرض آگاهی عموم مردم و یا مجموعه‌های ذی ربط قرار دهند، وجود ندارد. در مقابل، در روش‌های مردم سالارانه‌ی اداره‌ی جامعه (در واحدهای کوچک و بزرگ، نسبت به مسائل شهری، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و...) عرضه‌ی

برنامه‌ها، طرح‌ها، عملکردها برای عموم مردم و قرار گرفتن آنها در معرض داوری عمومی و آگاه شدن همگان از آنها از سوی مسئولین حیثیت الزام آور حقوقی دارد. چون آگاهی و در جریان قرار گرفتن مردم نسبت به آنچه که مربوط به سرنوشت و حیاتشان می‌باشد، از شمار حقوق مسلم و غیر قابل تردید آنهاست. طبعاً چنین حقوقی، وظایف الزام آور حقوقی و اخلاقی را بر مدیران و مسئولینی که در این حوزه و ساحت به فعالیت می‌پردازند ترسیم و تعیین می‌کند.

فرایند: روشن است که عرضه‌ی پیام، طرح و برنامه به تنهایی باز نمود مدیریت موفق نیست. نفس عرضه‌ی پیام یا برنامه‌ای استمرار و گسترش آن را تأمین نمی‌کند، هر چند پیام و یا طرحی از حیث علمی، منطقی و اخلاقی کامل و یا جامع بوده باشد. بنابراین جهت گسترش و عینیت بخشی آن نیاز به مجموعه‌ای از عملیات و اقدامات است، و دقیقاً فرایند در اینجا نمود پیدا می‌کند. بنابراین فرایند همانا مجموعه و زنجیره‌ای از عملیات منظم و ضابطه‌مند بر درون داد می‌باشد.

مجموعه‌ی عملیاتی که برای عینیت یابی درون‌دادها به صورت مردم سالارانه انجام می‌پذیرد و این زنجیره‌ی عملیاتی را از سیرت‌های غیر مردم سالارانه متمایز می‌سازد، در فعالیت‌های زیر نمود برونی پیدا می‌کند.

### ۱) ایده و اندیشه

پیش زمینه‌ی اجرایی و عملیاتی شدن هر برنامه و طرحی، به ویژه در مقیاس کلان و در سطح جامعه، ذهنیت و ایده‌ی عمومی و تقریباً نهادینه شده‌ای است که متناسب با چنان برنامه‌ای می‌باشد. مثلاً هرگاه رهبر و یا مدیری به جامعه پیام بدهد که در مدت ده سال آینده کشور را در شمار جوامع پیشرفته می‌رساند؛ فساد اداری و مالی را از جامعه برمی‌اندازد؛ قدرت را از حالت انحصاری بیرون می‌آورد؛ ولی در عمل دانایی و دانش را، که ستون پیشرفت در سپهر معاصر می‌باشد، از محوریت برانداخته و همچون عامل جانبی بدان بنگرد، و حق

نظارت و مشارکت آگاهانه مردم را از آنها بستانند، و چنین ایده‌ای در جامعه عمومیت داده شود، طبعاً در این ایستار برنامه‌ها و طرح‌های پیش گفته محقق نخواهد شد. برای عینیت یابی و نهادینه شدن گسترده‌ی آنها، ذهنیت و ایده‌ای که پذیرش هر یک را در جامعه تأمین نماید ضروری است. در فرایند مردم سالارانه سه اندیشه، ایده و ذهنیت به مثابه بخشی از روانه‌ی عملیات منظم بر درون دادها وجود دارد که همین سه ایده یکی از ممیزات عمده‌ی فرایند مردم سالار از فرایند غیر مردم سالار می‌باشد. این سه ایده و به تبع آن ذهنیت، از این قرار است:

۱) **حق مندی انسان:** از کلیدی‌ترین عناصر فکری مردم سالاری همانا حق مندی انسان‌هاست که شامل حقوق بنیادین همچون حق حیات، کرامت، صیانت از ذات، حق تکامل و حقوق اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی می‌گردد. بر بنیاد همین حق مندی است که نظارت و کنترل بر قدرت و مشارکت آگاهانه و همگانی در حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و نیز دست‌یابی برابر و متوازن مردم و جامعه به عوامل، منابع و ابزار رشد، توسعه و توانایی از شمار حقوق مردم بوده نه بخشش قدرت‌مندان و ثروت‌اندوزان. به همین جهت الزامات قانونی و حقوقی و قضایی جهت تأمین آنها برای همگان و به ویژه مسؤولین فراهم می‌آورد. حق مندی انسان از شمار ایده‌هایی است که هم‌پیدایی و شروع عملیات مردم سالارانه بر درون داد و هم تحکیم، توسعه و تداوم چنان عملیاتی وابسته به آن است.

۲) **دانایی محوری:** از ایده‌های بنیادینی که عملیات مردم سالارانه بر درون داد را تأمین می‌کند، همانا دانایی و علم می‌باشد. این ایده هنگامی که در جامعه تبدیل به فرهنگ عمومی گردد کار ویژه‌ها و پیامدهای چندی را همراه می‌آورد که به نظم حاکم صورت مردم سالار می‌دهد.

۱) **شایسته سالاری جایگزین رابطه سالاری می‌شود.** در این ایستار رشته‌ی امور و اداره‌ی جامعه در دست آدم‌های فهیم و کاردان افتاده و به جریان می‌افتد. طبعاً در چنین وضعیتی بهره‌وری منابع، نیروها، سرمایه و فرصت‌ها در راستای اهداف



و برنامه‌های پیش‌روانه‌ی عرضه شده افزایش می‌یابد، و بازخورد آن در لایه‌های متنوع زندگی مردم محسوس می‌گردد.

۲) سطح و ضریب درستی و دقت داوری و گزینش مردم نسبت به اموری که خیر خویش را در آن می‌بینند بیشتر و بهتر می‌شود. از این روی کم‌تر در معرض فریب، اغفال و ریسک پذیری ویران‌گر قرار می‌گیرند.

۳) در جامعه‌ای که دانایی (به معنای عام) معیار و مبنای عمل واقع می‌شود. مسائل، موانع و چالش‌ها، به صورت آرام و تدریجی، از طریق گفت و گو و استدلال، حل و برداشته می‌شود. به تعبیر دیگر منطق گفت و گو و تفاهم جایگزین ابزارها و روش‌های خشن و خشونت‌زا می‌گردد و تعاون بر فراز تصادم قرار می‌گیرد؛ چرا که بستر فرهنگی حضور و مشارکت خرد جمعی از راه اعتماد و احترام عمومی و قانونی نهادینه شده است. به این ترتیب توسعه‌ی نیروی انسانی، که پایه‌ی پیشرفت و توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جامعه می‌باشد، فراهم می‌آید.

۲) تمرکز بر عملکرد و فعالیت یا اصل تفکر آزمایشگاهی: این ایده در دو ساحت نمود پیدا می‌کند؛ یکی در حوزه‌ی امور نظری و دیگری در عرصه‌ی مسائل اجرایی و مدیریتی. در ساحت نخست ذهنیت معطوف به جمع است، نه گریزان از آن، و اندیشه‌ای که ظرفیت آزمون‌پذیری بالایی داشته و توان گره‌گشایی و ثمربخشی‌اش زیاد است، زایش و پرورش می‌یابد. در ساحت دوم عملکرد مسئولین و مدیران در میدان کاریشان ملاک و معیار ارزش‌گذاری، واگذاری و یا بازگیری مسئولیت از آنهاست، نه موقعیت اجتماعی، ثروت و درجه و مدرک مکتوب تحصیلی. به گفته‌ی دراکر در جامعه‌ی سازمانی «هیچ یک از اعضا به لحاظ برخورداری از علم و دانش، بر دیگری برتری ندارد، و موقعیت هر کس، نه براساس برتری یا فرودستی ذاتی وی، که صرفاً متناسب با میزان مشارکتش در به ثمر رساندن هدف مشترک سازمان، تعیین می‌شود» (دراکر،

۱۳۷۴، ۱۰۷).

پاره‌ای از عناصری که در محور ایده در جهت عملیات مردم سالارانه بر درون داد گفته شد، در متن زیر نیز به گونه‌ای بازتابیده است.

دموکراسی فرصت‌هایی را فراهم می‌کند برای مشارکت واقعی، رأی برابر، به دست آوردن درک روشن، اعمال کنترل نهایی بر دستور کار. ... دموکراسی تنها یک روند حکومت کردن نیست. از آنجا که حقوق جزو عناصر ضروری نهادهای دموکراسی می‌باشد، لذا دموکراسی در ذات خود نظامی از حقوق نیز هست. احتمالاً میزان تجارت متقابل میان دموکراسی‌های جدید، آنها را به جای توسل به جنگ متمایل به رفتاری دوستانه می‌کند (دال، ۱۳۷۸، ۶۲-۷۷).

بنابر آنچه در باب ایده و سازه‌های آن گفته شد به روشنی عملیات مردم سالارانه بر درون دادها را از عملیات غیر مردم سالارانه بر آنها متمایز و پر فاصله می‌نماید.

## ۲) ترتیبات نهادی و ساختاری

بخشی از روانه‌ی عملیات و فعالیت‌ها، که در عینیت‌دهی به درون دادها لازم و ضروری است، همانا سازوکار نهادی و ساختاری متناسب با آن می‌باشد چنین ترتیبات و نیز کارکرد و درون‌مایه‌شان، نظم و عملیات مردم سالارانه را از غیر مردم سالارانه متمایز و جدا می‌سازد. این ترتیبات به گونه‌ی زیر هستند.

۱) نهاد قانون و قانون‌مند شدن رفتار و تعاملات، به ویژه در ساحت عمومی؛  
 ۲) نهاد انتخابات به صورت آزاد، فراگیر، پیوسته در حوزه‌های زیستی - عمومی؛

۳) تنوع فرهنگی و زیستی؛

۴) نهاد بازار با رویکرد تعاونی - غیر انحصاری، نه با رویکرد انحصاری - رقابتی؛

۵) انجمن‌ها، اتحادیه‌ها، شوراها، احزاب در عرصه‌ی سیاست، صنعت، علم،

خدمات، کار، اقتصاد، آموزش و پرورش؛

۶) پارلمان و نهادهای نمایندگی در لایه‌های مختلف اجتماعی؛

۷) سیستم قضایی مستقل؛

۸) سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و در مجموع مدیریت سازمانی جامعه؛

۹) نهادهای اطلاع‌رسانی شفاف، آزاد، مستند و روزآمد مانند مطبوعات،

تلویزیون، رادیو، ماهواره، اینترنت، ایکس‌ترنت و ...

پیداست که چنین نهادهایی تنها در عملیات مردم سالارانه می‌رویند و کارکرد

دارند. در واقع بخشی از هویت عملیات مردم سالارانه را می‌سازند.

نکته‌ای که در اینجا مهم به نظر می‌رسد این است که نظم یا عملیات مردم

سالارانه‌ای که در این جستار به تصویر درآمده است بر ساخته‌ی تمامی عوامل و

عناصری است که بازگو می‌شوند، به طوری که در فقدان یکی از آنها گویا

عملیات مردم سالارانه نخواهد بود. برخلاف دیدگاهی که دموکراسی را بیشتر از

ناحیه‌ی ترتیبات نهادی با جهت‌گیری قدرت مدار ترسیم و معرفی می‌کند<sup>۱</sup> و یا

دیدگاهی که همه چیز آن را همانا توجه به حقوق می‌بیند.<sup>۲</sup>

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

### ۳) اخلاق و ارزش‌ها

ستون و بدنه‌ای دیگر از عملیات مردم سالارانه بر درون‌دادها، که آن را از

عملیات غیر مردم سالارانه متمایز و متفاوت می‌سازد، همانا هنجارهای اخلاقی

و ارزشهاست، که از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین آنها می‌توان از موارد زیر نام برد.

۱) مدارا و تساهل با دیگران و به ویژه با آنانی که از حیث فرهنگی و اعتقادی با

ما، یعنی نظام موجود و پذیرفته شده، متفاوت و حتی مخالف می‌باشد. این

هنجار اخلاقی و ارزشی با بستر سازی تنوع زیستی، تأمین و توسعه‌ی حقوق

فرهنگی آدمیان را فراهم می‌آورد.

۲) خوش بینی و خوب بینی دیگران؛ با نهادینه شدن چنین هنجاری، زیر ساخت

تعامل فراگیر و آسان در جامعه میان آدمیان گسترش پیدا می‌کند.

۳) اعتماد و اطمینان عمومی؛ این هنجار و ارزش در کنار دو هنجار اخلاقی پیش گفته، مشارکت عمومی را در تمامی حوزه‌ها و به ویژه ساحت سیاسی تحکیم و توسعه می‌بخشد.

بنابراین ایده، ترتیبات نهادی - ساختاری و اخلاق و ارزش‌ها، سه عملیات منظم مردم سالارانه بر درون دادها می‌باشد.

برایند یا بازخورد: برایند، بخشی از روانه‌ی مدیریت مردم سالارانه‌ی جامعه است که به دو صورت نمود بیرونی می‌یابد:

۱) محاسبه‌ی عملیات و مسؤولیت پذیری است؛ در واقع در این مرحله از مدیریت یکی از اصول اساسی مردم سالاری، که نظارت و کنترل همگانی بر عوامل و منابع قدرت و بر تمامی بدنه‌ی عملکردهای مدیریتی می‌باشد، به وجود آمده و جنبه‌ی اجرایی پیدا می‌کند.

۲) تابع تبدیل؛ فراگردی است که کالاها و خدمات (در معنای فراگیر آن) که در روانه‌ی مدیریت مردم سالارانه تولید گردیده‌اند، تبدیل به نتایج و محصولات کاربردی یعنی اهداف پیش گفته در مدیریت مردم سالارانه، جامعه، که برابر با توانایی همگان برای اداره و ادامه‌ی سالم، متوازن و انسانی حیات می‌باشد، گردد. این در واقع همان برون‌داد مدیریت مردم سالارانه است.

اینک با توجه به تصویری که از مردم سالاری در این نوشتار ترسیم نمودیم، نسبت ولایت و بیعت را با آن روشن می‌سازیم.

ولایتی که در این مقام از آن سخن می‌گوییم همانا یکی از شؤون حکومتی و مدیریتی پیامبر ﷺ گرامی اسلام است، نه ولایت باطنی و شأن نبوت ایشان. هر چند شؤونات حضرت ﷺ در هم تنیده و از هم اثرپذیرند، لیکن می‌توان هر شأن را به طور مستقل نگریست، چون مؤلفه‌ها و کارکرد ویژه‌ای دارند. بنابر این ولایت پیامبر ﷺ در ساحت حکومت و مدیریت جامعه از راه و روش بیعت، همان مؤلفه‌ها و سازوکارهای مدیریت مردم سالارانه را که پیش از این بیان نمودیم باز می‌تاباند و بدان گونه عملیاتی می‌شود. البته در اندازه‌ها و ظرفیت

جامعه‌ی آن روز.

درونداد: پیامبر اسلام ﷺ در بیعت‌هایی که حیثیت حکومتی دارد، اولین اقدامی که انجام می‌دهد عرضه‌ی پیام و ارائه‌ی برنامه برای سعادت و سلامت مردم می‌باشد. در کتاب *دلائل النبوة* از زهری نقل می‌کند که می‌گوید: «رسول الله ﷺ در هر موقعیت و زمانی با مردم و به ویژه بزرگان آنها سخن می‌گفت و پیام خویش را بر آنها روشن می‌نمود و می‌فرمود: لا اکره احدا منکم علی شی من رضی منکم بالذی ادعوه الیه فذاک و من کره لم اکرهه انما ارید ان تحرزونی مما یراد بی من القتل حتی ابلیغ رسالات ربی و حتی یقضی الله عزوجل لی و لمن صحبنی ماشاء الله» (طبرسی، ۱۴۱۷ هـ، ۱۳۳)؛ من هیچ یک از شما را با فشار و زور وادار به پذیرش نمی‌کنم، بلکه هر کس با رضایت خویش و به دور از هرگونه فشار، آنچه بدان فرامی‌خوانم برگزیند همان درست است، و هر که رضایت نداشته باشد، من او را به زور وادار نمی‌کنم. تنها از شما می‌خواهم مرا از قتل حفظ کنید تا پیام الهی را به شما برسانم، و در نهایت الله متعال در مورد من و همراهانم آنچه خواست دآوری نماید.

در فراگرد این بیعت دو چیز برجسته است؛ یکی عرضه و تبیین پیام برای عموم مردم و طیف‌های مختلف جامعه، و آنها را در جریان امور قرار دادن و دیگر حمایت از آزادی و آگاهی در دآوری، گزینش و تبلیغ.

نکته‌ی قابل تأمل دیگر در بیعت‌های پیامبر ﷺ همان درون‌مایه‌ی آن است که شامل یک‌سری قوانین، مقررات و برنامه‌های کاربردی در ساحات گوناگون زیستی، و نیز باورها و ارزش‌ها می‌باشد. در بیعت عقبه‌ی اولی، پیام و پیمانی که از مردم گرفته می‌شود، پیرامون یگانه پرستی، دوری از دزدی، زنا و تجاوز به ناموس، و نیز پرهیز از قتل و فرزند کشی، بازداری از تهمت و دروغ بستن و هرگونه رفتار و اعمالی که نظم و سلامت عمومی جامعه را به هم می‌ریزد، و نیز پاداش و کیفر دنیوی و اخروی هر یک از اعمال یاد شده، می‌باشد. همین طور در پیمان عقبه‌ی دوم همان محتوا به علاوه‌ی یک سری تعهدات دو سویه میان مردم

و رهبری و نیز سیستم نظارت و کنترل اجتماعی اسلام، که همان امر به معروف و نهی از منکر باشد مورد و مواد بیعت را سامان می‌دهد (ابن کثیر، ۱۳۹۶، ۱۸۰ و ۱۹۵).

در بیعت عقبه‌ی سوم، پیامبر ﷺ، هم‌سویی و برابری رهبر و رهرو را طرح می‌کند و بدین منظور خون خویش را رنگین‌تر از مردم نمی‌داند و راه کار اجرایی پیام‌ها را با مشارکت دادن مردم عرضه می‌دارد. در این راستا از مردم می‌خواهد نمایندگانی از میان خویش جهت اداره شؤوناتشان برگزینند (حمیدالله، ۱۳۷۷، ۹۲).

توجه به مواد، مسائل، محورها، شرایط زمانی و مکانی بیعت و نیز هویت حقوقی آن، که الزام‌ها و التزام‌های چند سویه ایجاد می‌کند، از شمار نهادها و هنجارهای سیاسی - اجتماعی در درون نظام حکومتی می‌باشد. این که گفته شده است بیعت شباهت و سنخیت با نظام انتخاباتی ندارد، چون در انتخابات مردم هر زمانی که اراده نمایند می‌توانند موکلین خویش را بر داریند، درست به نظر نمی‌رسد. اولاً بیعت برابر نشین نهاد انتخابات نیست، بلکه سازوکار مدیریت مردم سالارانه‌ی جامعه در اندازه‌های اجتماع آن روز بوده که طبعاً جا برای توسعه و تکامل دارد. ثانیاً از نظر محتوایی شباهتهایی میان این دو وجود دارد. در بیعت و انتخابات تعهد و التزام حقوقی دوسویه وجود دارد. به همین جهت هنگامی از هم می‌گسلد که مواد و محتوایی که بر آن تعهد انجام گرفته است از سوی یکی از طرفین عمل نگردیده و یا خلاف آن انجام گیرد. در غیر آن تعهد و التزام پایدار است. بنابر این در انتخابات مردم هنگامی حق دارند موکلین مدیر و قانون‌گذار را عزل نمایند که برایشان محرز گردد که در انجام وظایف کوتاهی نموده‌اند. در غیر چنین حالتی چنان حقی ندارند (البته تا پایان دوره مسئولیت). فرایند: پیامبر اسلام ﷺ پس از آن که پیام و برنامه‌های خویش را معرفی نمود، و مردم با آگاهی و آزادی داوری نموده و به‌گزینش پرداختند. طبعاً نوبت به اقدامات عملی جهت عملیاتی سازی آنها می‌رسد. حضرت ﷺ نیز وارد این

مرحله می‌شود، و مجموعه‌ی عملیات زیر را آغاز می‌کند:

## ۱) ایده و اندیشه

ایده‌هایی که پیامبر ﷺ در جریان بیعت و پس از آن و در رفتارهای پیوست همان بیعت در جامعه‌ی آن روز عرضه داشت، به گونه‌ای باز نمود حق‌مندی، دانایی محوری، تمرکز بر عملکرد و نیز امور دیگر به صورت صریح یا ضمنی می‌باشد.

پیامبر ﷺ پس از آن که پیام خویش را به مردم اعلام کرد، از آنها خواست که با آگاهی و آزادی تمام به‌گزینش و انتخاب پردازند و با هرگونه اعمال فشار و زور مخالفت ورزید. در ضمن از مردم و مخاطبین طلبید که او را در بیان و تبیین پیام آزاد بگذارند و آسیب به ایشان نرسانند. این در واقع حرکت به سوی پایدار سازی آزادی بیان در معنای وسیع و کاربردی‌اش می‌باشد.

همان طوری که پیش از این آمد، پیامبر ﷺ در جریان بیعت می‌فرماید «لا اکره احدنا منکم علی شی من رضی منکم بالذی ادعوه الیه فذاک. و من کره لم اکره» (طبرسی، ۱۴۱۷ هـ، ۱۳۳).

در این متن هر دو مطلب پیش‌گفته به روشنی بیان شده است. البته این سخن از روی سیاست فریب و اقتناع نبوده که چون سیاست پیشه‌گان امروزی وعده بدهد، اما نه بدان باور داشته باشد و نه بدان عمل نماید، و تنها برای رسیدن به قدرت چنین کند، زیرا چنین عملکردی نه با مقام نبوت و رسالت می‌سازد؛ و نه رفتار و کردار حکومتی ایشان تا پایان عمر نمونه‌ای از چنین سیاست فریب را نشان می‌دهد، بلکه به آزادی بیان و دانایی به عنوان یک حق از حقوق آدمیان می‌نگرد و تأمین آن را لازم و واجب می‌داند. در طول حکومت خویش، خود و مردم را ملتزم به تأمین آن می‌خواند و در گفتار و رفتار آن را بازمی‌تاباند. در روانه‌ی بیعت عقبه‌ی اولی، پس از آن که مردم پراکنده می‌شدند، پیامبر ﷺ

مصعب بن عمیر را به سوی آنها فرستاد و امر فرمود که بر آنها قرآن بخواند و اسلام را آموزش بدهد، و آنها را به دانایی و فهم دقیق از دین رهنمون سازد؛ «و امر ان یقراهم القرآن و یعلمهم الاسلام و یفقههم فی الدین» (ابن کثیر، ۱۳۹۶ هـ، ۱۸۰).

در کتاب عیون از طریق امام رضا علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «من جائکم یرید ان یفرق الجاعة و یغصب الامة امرها و یتولی من غیر مشوره فاقتلوه، فان الله قد اذن ذالك» (صدوق، ۱۴۰۴ هـ، ۶۷).

چند مطلب از این فرمایش استنباط می شود:

۱) خردورزی جمعی؛

۲) اصل مشارکت خیرخواهانه‌ی عمومی؛

۳) حق‌مندی انسان و ضرورت تأمین و حمایت از حقوق آدمیان.

روشن است که رابطه‌ی تکمیلی و تأمینی میان دانایی و حق‌مندی وجود دارد. چون در فقدان دانایی، حقوق نه می‌روید و نه برآورده می‌گردد. دقیقاً همان واقعیتی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به درستی آن را بیان نموده است. «مؤمنی که حقوق دیگران را نداند، همانا حقوق آنها را از بین می‌برد. چنین شخصی در این حالت از بین برنده و بازدارنده‌ی هرگونه خیر و نعمت بوده، و جامعه را به هرگونه آفت مبتلا می‌سازد» (الحر العاملی، ۱۳۸۲، ۴۷۳).

ایده‌ی دیگر همانا تمرکز بر عملکرد و فعالیت است. این ایده دو معنا یا واقعیت بیرونی می‌تواند داشته باشد؛ یکی این که هر فرد و شخصی، در هر مقام و جایگاهی که قرار دارد، باید به وظایف، مسؤولیت‌ها و تکالیف خویش عمل نماید و معیار گزینش و توزیع مسؤولیت‌ها بر محور و مبنای عملکرد بوده باشد و دیگر این که در ارائه‌ی طرح‌ها، برنامه‌ها و عرضه‌ی پیام بایستگی‌ها و قابلیت‌های اجرایی و عملیاتی آن ارزیابی گردد. این مهم میسر نیست مگر آن که پیشاپیش ایده‌ی آزمون‌ی آن را حمایت و هدایت نماید. این هر دو را در فراگرد بیعت و رفتار حکومتی حضرت صلی الله علیه و آله می‌توان به روشنی نگریست.



در بیعت عقبه‌ی دوم یکی از موادی که تعهد بر آن واقع می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر است «فقلنا یا رسول الله علام نبایعک؟ قال: تبایعونی ... علی الامر بالمعروف و نهی عن المنکر ...» (ابن کثیر، ۱۳۹۶، ۱۹۵). از سوی دیگر یکی از شرایط و عناصر امر به معروف و نهی از منکر، احتمال تأثیر است. با توجه به این که امر به معروف و نهی از منکر در واقع همان سیستم اجتماعی سازی هنجارها می‌باشد، معنا و مراد از این شرط، به ویژه در حوزه‌ی عمومی، این است که ظرفیت و استعداد عملیاتی شدن این هنجارها در جامعه در چه سطح و اندازه‌ای است، طبعاً برای این امر سنجه‌های عینی نیاز است، که مهم‌ترین و کارآمدترین آن همانا آزمون پذیری می‌باشد. در فراگرد آزمون پذیری پیام و برنامه در دایره‌ی احتمال ذهنی باقی نمانده، بلکه در واحدها و مقیاس‌های مختلف به اجرا گذارده شده و با این روش ضریب کارگشایی و پذیرندگی آن از سوی آدمیان روشن می‌گردد. این در واقع همان تمرکز بر عملکرد است. از این رو پیامبر ﷺ فرد و جامعه‌ی اسلامی که نتواند به عملیاتی سازی هنجارها پردازند را جامعه و فرد ناتوان می‌خواند: «و ما المؤمن الضعیف الذی لا دین له؟ قال ﷺ الذی لا ینهی عن المنکر» (الحر العالمی، ۱۳۸۲، ۳۹۷)؛ یعنی جامعه‌ای که از طریق فراگرد آزمون نتواند هنجارهای شایسته را شناسایی و اجتماعی سازد، و ناهنجاری‌ها را بزدايد، طبعاً ناتوان و پسر و خواهد بود.

علی ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که مردی از پیامبر ﷺ سؤال می‌نماید یا رسول الله ﷺ، آیا بر چیزی که در مورد ما مقدر شده و در کتاب سرنوشت هر کس معین گردیده است، تسلیم نبوده و به آن اکتفا نکنیم و عمل نمودن را ترک نماییم؟! (در صورتی که هر چیزی تعیین گردیده است، پس عمل جایگاهی ندارد و مجاز به ترک آنیم). حضرت ﷺ می‌فرماید؛ کسانی که از شمار سعادت‌مندان هم بوده باشند تنها به وسیله‌ی اعمالی که به سعادت می‌انجامد، سعادت‌مند خواهند شد، و آنانی که از شقاوت‌مندانند نیز به وسیله‌ی رفتار و کردار بد و ناشایست، شقی می‌شوند و در گروه آنها قرار می‌گیرند؛ پس عمل نمایید

## ۲) ترتیبات نهادی و ساختاری

روشن است که عملیاتی سازی درون دادها در گرو یک سری ساختارها و نهادها می باشد. به تعبیر دیگر زنجیره ای از عملیات نهادی و ساختاری برای عینیت یابی آنها در حیات اجتماعی ضروری می باشد. پیامبر اسلام ﷺ پس از عرضه پیام و برنامه الهی خویش و به ویژه در مدینه اقدامات ساختاری - نهادی را آغاز نمود، که اینک به آن می پردازیم.

از شمار مهم ترین عملیات های نهادی - ساختاری ایشان همانا بیعت را می توان نام برد، که به صورت چند منظوره عمل نمود. بیعت های سیاسی، نظامی، اجتماعی و... که در دوران حضرت ﷺ صورت گرفت نشان چند منظوره بودن بیعت می باشد. مهم تر از همه تصویری است که پیامبر ﷺ از بیعت عرضه می دارد. در این تصویر سیال بودن و تکامل پذیری بیعت به روشنی منعکس شده است.

مجاهد بن مسعود سلمی می گوید: «اتیت النبی ﷺ ابایعه علی الهجرة. فقال ﷺ ان الهجرة قد مضت لاهلها و لکن علی الاسلام و الجهاد و الخیر» (النسابوری، بی تا، ۲۷).

این فرمایش حداقل بر دو امر دلالت روشن دارد:

۱) بیعت هویت سیال دارد و همچون روش تنها محصور جامعه ای آن روز نبوده، بلکه به تناسب توسعه جوامع، تکامل و توسعه یافته و در ایستارهای گوناگون کاربرد دارد. این نکته را از عبارت «ان الهجرة قد مضت لاهلها و لکن علی الاسلام و الجهاد و الخیر» می فهمیم.

۲) دامنه بیعت بسیار گسترده است و در حوزه های مختلف زیستی کاربرد دارد، و صرفاً در دایره های مسائل نظامی یا عبادی (به معنای محدود) محصور نمی گردد، بلکه اقتصاد، سیاست، فرهنگ، آموزش و... همه را پوشش داده و

در آنجا اجرا می‌شود.

بنابر این بیعت ساز و کار مناسبی است برای پیدایش نهادها و سازمان‌های مدنی، دولتی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، علمی، فنی و... به عنوان روش عملیاتی سازی درون‌دادها.

پاره‌ای از نمونه‌های ساختاری - نهادی پیامبر ﷺ جهت عینیت دادن و اجرایی سازی درون‌داد از این قرار هستند.

۱) در سال اول پیامبر ﷺ در مدینه مسجد نبوی را ساخته، که تنها محلی برای عبادت نبود، بلکه بسیاری مسائل سیاسی، حقوقی، قضایی، اجتماعی و... مردم در آنجا مورد داوری قرار گرفت. در همان سال پیمان برادری و همکاری میان مهاجر و انصار، که خود نماد از مشارکت و تفاهم در جامعه بود، بسته شد. همچنین در این سال بیعت النساء، که در واقع حمایت قانونی از حقوق آنها و نهادهای سازی حضور و مشارکت‌شان در حوزه‌ی عمومی می‌باشد، شکل گرفت. به ویژه این که این بیعت در مقابل عموم مردم و آشکارا انجام شد، نیز مواد آن شامل مسائل متنوع فردی و اجتماعی می‌باشد.

۲) قانون‌مندی در روش‌های دادرسی و اثبات حقوق، از شمار عملیات ساختاری - نهادی بود که حضرت ﷺ جهت تأمین عدالت قضایی و عینیت دادن به درون‌دادها، ایجاد و اعمال می‌نمود. قاعده‌ی البینه للمدعی و الیمن علی من انکر از این اقدامات به حساب می‌آید. ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل می‌کند که حضرت ﷺ فرمود: «لو یعطی الناس بدعواهم لادعی ناس دماء رجال و امواهم و لکن الیمن علی المدعی علیه» (النیسابوری، بی تا، ۱۲۸)؛ اگر مردم هر چه بخواهند و ادعای مالکیت و ذیحق بودن نسبت به هر چیزی داشته باشند، همانا مال و جان آدمیان را می‌خواهند، ولی قاعده این است که قسم بر منکر و مدعی علیه می‌باشد.

۳) مدیریت حقوق فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، در چارچوب قانون مثل شهروندی، آزادی، آموزش، مالکیت و... در صحیفه‌ی مدینه، که از آن به عنوان



قانون دولت شهر مدینه نیز یاد نموده‌اند. پیامبر ﷺ می‌فرماید «یهود بنی عوف خود و وابستگان‌شان امتی همراه با مسلمانان هستند. دین یهود از آن ایشان و دین مسلمانان از آن مسلمانان است؛ مگر کسی که با پیمان شکنی ستم کند و راه گناه در پیش گیرد که چنین کسی جز خود و خانواده‌اش را تباه نخواهد ساخت» (حمیدالله، ۱۳۷۷، ۱۰۸). پیامبر ﷺ به کارگزارش عمرو بن حزم در یمن دستورالعمل ۲۲ ماده‌ای می‌نویسد. در یکی از بندهای آن آمده است: «و لیخبر الناس بالذی لهم و الذی علیهم» (حمیدالله، ۱۳۷۷، ۲۵۵)؛ وظیفه‌ی دولت آگاه ساختن مردم از حقوق، منافع و آنچه به خیر آنهاست، و نیز از اموری که ناقض حقوق و منافع‌شان است، می‌باشد، طبعاً چنین آگاه‌سازی و آگاه شدن در فقدان پذیرش آزادی بیان و اندیشه و نیز حق آموزش و... شعار دروغینی بیش نیست. در حالی که ساحت انبیای الهی ﷺ پاک از سیاست دروغ می‌باشد. بنابراین در دولت نبوی، دولت وظیفه‌ی تأمین و عینیت بخشی به این گونه حقوق و... را دارد. روشن است که این مسؤولیت عملیاتی نخواهد شد، مگر این که نهادها و ساختارهای حمایتی و تأمینی در جامعه برای هر کدام پدید آید و فعال گردد، که خود دولت یکی از آنها می‌باشد.

بنابر این با توجه به شکل و محتوای نهادها و ساختارهایی که در دولت نبوی فعال شدند و به وجود آمدند به این نکته می‌رسیم که آنها به زایش مدیریت مردم سالارانه بر درون دادها می‌انجامند و خود بخشی از روانه‌ی عملیاتی سازی مردم سالارانه‌ی درون دادها می‌باشند.

## ۳) ارزش‌ها و اخلاق

بخشی دیگر از روانه‌ی عملیات منظم بر درون دادها همانا ارزش‌ها و اخلاق، به ویژه در ساحت رفتار و تعاملات اجتماعی - سیاسی است. مدیریت مردم سالارانه‌ی درون دادها از غیر مردم سالارانه‌ی آنها، در واقع به وسیله‌ی ارزش‌ها و اخلاق حاکم در عملیات متمایز می‌گردد.

سه ارزش و اخلاق که مدیریت را مردم سالارانه می‌سازد، و در رفتار مدیریتی پیامبر ﷺ و سامان‌دهی درون‌دادها در دولت نبوی بازتاب روشن دارد، عبارتند از:

۱) مدارا؛

۲) خوش‌بینی و سالم‌نگری دیگران؛

۳) اعتماد عمومی.

این سه، نقش مستقیم و سازنده در پیدایی و نهادینه شدن فرهنگ مشارکت عمومی و فعالیت جمعی در جامعه دارند، که رکن اصیل انسجام، همبستگی و توسعه‌ی اجتماعی انسان محور می‌باشند.

هنگامی که از سه زاویه به بیعت می‌نگریم، ارزش‌های نام برده را به روشنی در آنها می‌یابیم.

### ۱) نگاه پیش از بیعت

فلسفه‌ی وجودی بیعت در زمان پیامبر اکرم ﷺ، بیان‌گر این واقعیت است که بیعت نهاد قانون‌گذار نبوده، بلکه ساز و کار عملیاتی شدن درون‌دادها و ایجاد پیوستگی و اعتماد دوسویه میان مردم و رهبری جامعه، و از سوی دیگر به وجود آمدن اعتماد و اطمینان میان گروه‌ها و طبقات مختلف مردم بوده است. طبعاً اعتماد با این گستره (اعتماد عمومی) هنگامی میسور و عملی است که خوش‌بینی و سالم‌نگری دیگران همچونان قاعده‌ی رفتاری در تعاملات انسانی درآید. از این رو پیامبر ﷺ در تمامی بیعت‌هایی که در طول بیست و سه سال رسالت خویش انجام داد با اصل خوش‌بینی و سالم‌نگری مردم با آنها وارد تعامل، گفت‌وگو و بستن پیمان‌ها شد. اگر جز این بود نمی‌توانست نظامی را به سامان در آورد، که در آن آدم‌های مختلف از حیث اعتقادی، زبان، نژاد و رنگ گرد هم آیند و همگام گردند. چه بسیار که در راه بیعت گرفتن مورد بی‌مهری و بی‌ادبی از سوی پاره‌ای از مردم قرار می‌گرفت، اما این‌ها سبب نمی‌شد که نگاه بدبینانه

نسبت به مردم پیدا نماید. می فرمود: «انی لم ابعث لعانا و لکنی بعثت داعیا و رحمة، اللهم اهدنی قومی فانهم لا یعلمون» (الیحصیی، ۱۴۰۹ هـ، ۱۱۹).

## ۲) نگاه در بیعت

هنگامی که به محتوای بیعت می نگریم، رفتارها، پیمانها، مواد و اصولی را می یابیم که شمار زیادی از ارزشها از جمله سه ارزش یاد شده را به خوبی منعکس کرده است.

اولاً کسانی که در بیعت مشارکت دارند از نظر مالی، موقعیت اجتماعی، اعتقادی، نژاد و رنگ و... همسطح و همپایه نیستند، ولی می توانند بر محور همان پیام و اندیشه فراگیری که بیعت به خاطر آن انجام گرفته است (توحید، انسانیت و...) کنار هم باشند و به صورت همگرا عمل نمایند، و اختلافات ریشه دار و دراز دامن، که سالیان پیوسته با خون عزیزان شان ادامه یافته بود، به تدریج به پیوستگی و همدلی تبدیل گردد.

ثانیاً در بیعت عقبه‌ی دوم دوازده نفر از نمایندگان قبایل و اقوام مختلف از سوی مردم برگزیده می شوند، تا به نمایندگی آنها به امورشان رسیدگی گردد. به این ترتیب رابطه و تعامل پیوسته میان مردم و رهبری جامعه و نیز مشارکت آنها در حیات اجتماعی تأمین می گردد. طبعاً برابری این فراگرد اعتماد عمومی می باشد.

ثالثاً یکی از مواردی که در عقبه‌ی اول بر آن بیعت صورت می پذیرد، این است که نباید به یکدیگر تهمت زد و نسبت‌های دروغ داد: «قال ابن اسحاق: و ذکر ابن شهاب الزهري عن عائذ الله ابی ادریس الخولانی ان عبادة بن الصامت حدثه قال: بايعنا رسول الله ﷺ ليلة العقبة الاولى الا نشارك بالله شيئا... و لا نأتي بهتانا نفترية بين ايدينا و أرجلنا...» (ابن کثیر، ۱۳۹۶، ۱۸۰).

روشن است که یکی از عوامل و پیش زمینه‌ی برجیده شدن تهمت و توطئه در تعاملات و مناسبات انسانی، همانا خوش بینی و سالم نگری دیگران است. در

فقدان چنین ارزش و اخلاقی امکان برچیدن تهمت و... بسیار ضعیف و یا منتفی خواهد بود. از سویی پیامد و برآیند زدودن تهمت و توطئه در روابط انسانی، پیدایش همگرایی و اعتماد عمومی می‌باشد.

رابعاً از دیگر موارد و موادی که در بیعت‌ها بدان توجه رفته است، اصل امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد (در پیمان عقبه‌ی دوم این اصل به روشنی و صراحت آمده و مورد بیعت قرار گرفته است که متن و مدرک آن در بخش‌های پیشین همین نوشتار بازگو شده است). چنان که گفته شد این اصل در واقع سیستم و سازوکار اجتماعی سازی هنجارها است. یکی از شرایط و ویژگی‌هایی که برای این سازوکار برشمرده‌اند این است که افراد، نهادها و کلیه کسانی که مسئولیت چنین امر مهمی متوجه آنهاست باید پیشاپیش خود آنها تجسم عملی و عینی آنچه بدان فرا می‌خوانند و یا از آن باز می‌دارند، گردند. «قال علی علیه السلام من نصب نفسه للناس اماماً فعلیه ان یبدأ بتعلیم نفسه قبل تعلیم غیره و لیکن تأدیهه بسیرهه قبل تأدیهه بلسانه و معلم نفسه و مؤدبها احق بالاجلال من معلم الناس و مؤدبهم» (ابی الحدید، ۱۴۰۴ هـ، ۲۲۰). به نظر می‌رسد علت و حکمت این شرط و ویژگی همان پیدایش اعتماد و اطمینان عمومی باشد. چون کاملاً پیداست که الگوگیری و الگوپذیری که در این فرمایش نهفته و بدان فراخوانده شده است، بدون نهادینه شدن اعتماد عمومی مردم ممکن نیست.

از دیگر شرایط و اوصاف اجرایی امر به معروف و نهی از منکر، مدارا با دیگران در فرآیند اجتماعی سازی هنجارها می‌باشد. امام صادق علیه السلام هنگامی که ویژگی‌های آمرین به معروف و ناهین از منکر را برمی‌شمرد، یکی از آنها را مدارا می‌داند: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال؛ انما یأمر بالمعروف و ینهی عن المنکر من کانت فیه ثلاث خصال ... رفیق فیما یأمر و رفیق فیما ینهی» (الحر العاملی، ۱۳۸۲، ۴۰۳). نکته‌ی مهم و قابل تأمل در این فرمایش این است که مدارا نه تنها در مقام فراخواندن، بلکه در مسیر بازداری نیز لازم و واجب‌العمل می‌باشد.

بنابراین از درون بیعت سه ارزش و اخلاق نامبرده و پیش گفته همچون بخش

و عنصری از عملیات منظم بر درون داد بیرون آمده و روانه‌ی مدیریت مردم سالارانه را تقویت نموده و توسعه می‌بخشد.

برایند یا بازخورد: طبعاً هر عملیاتی برایندی دارد و در واقع تکمیل فرایند به وسیله‌ی برایند ادامه پیدا می‌کند. برایند معمولاً به دو گونه انجام می‌پذیرد.

۱) حسابرسی که در واقع همان محاسبه‌ی عملیات صورت گرفته بر درون داده‌ها می‌باشد. حسابرسی هنگامی اجرایی می‌شود، و یا حداقل از صورت نمایشی و نمادین بیرون می‌آید که مسؤولیت‌پذیری در سطح عمومی نهادینه شده باشد. پس حسابرسی با مسؤولیت در مدیریت مردم سالارانه توأم و همراه است.

۲) تابع تبدیل، یعنی کالاها و خدماتی (در معنای وسیع) که پس از مرحله‌ی فرایند و گذر از برایند تولید شده‌اند را در راستای اهداف بازگو شده در درون داد، به کار برده شود، که در جامعه نبوی همان توحید همراه با توانایی می‌باشد.

در رفتار و کردارهای حکومتی پیامبر ﷺ این واقعیات و عملیات به گونه‌ای دیده می‌شود.

اولاً همان طوری که گفته شد، یکی از مواد بیعت، اجرایی شدن امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. مهم‌ترین کارکرد این اصل نیز حسابرسی و محاسبه‌ی عملیات، از سوی آدم‌های مسؤول و کاردان می‌باشد. از این روی می‌توان گفت در جامعه‌ی دینی، امر به معروف و نهی از منکر نهاد حسابرسی و سازوکار محاسبه‌ی فعالیت‌ها می‌باشد. پس به این ترتیب در بیعت، برایند و بازخورد می‌تواند بازتاب داشته باشد.

ثانیاً بیعت هويت سیال و قابل توسعه دارد، و این توسعه و گشایش هم از حیث سخت‌افزاری و هم در ساحت نرم‌افزاری صورت می‌گیرد. یعنی بیعت هم از حیث فیزیکی، شکل و ساختارش به تناسب زمان، پیشرفت و پیچیدگی جامعه گسترده و تغییر شکل پیدا می‌کند، و هم از ناحیه‌ی محتوا، مواردی که بر آن بیعت واقع می‌شود، دامنه پر پهنایی دارد. این واقعیت در حدیث مجاشع ابن مسعود سلمی از پیامبر ﷺ، که پیش از این بازگو شد، منعکس شده است. در این



حدیث پیامبر ﷺ بیعت بر هجرت را نمی پذیرد، چون آن را متعلق به گذشته می داند و برای حیات امروزی شاید کارکرد نداشته باشد. از این رو مواد و محتوای بیعت را امری معرفی می نماید که اثرگذار و گره گشا و کارآمدی پیوسته در حال و آینده داشته باشد؛ «اتیت النبی ﷺ ابا یعه علی الهجرة فقال ان الهجرة قد مضت لاهلها و لكن علی الاسلام و الجهاد و الخیر» (النیسابوری، بی تا، ۴۷). این حدیث به روشنی سمت و سوی بیعت و نیز توسعه پذیری آن را باز می نماید. طبعاً بخشی از پویایی و کارآمدی بیعت را حسابرسی و محاسبه‌ی عملیات و نیز تابع تولید می سازد.

ثالثاً پیامبر ﷺ در موارد زیادی بر مسؤولیت و حسابرسی تأکید فراوان نموده است، و شخصاً محاسبه‌ی عملکرد کارگزاران و فرمانداران دولت اسلامی در عصر خویش را انجام می داد.

در این جا به ذکر سخن معروف حضرت ﷺ بسنده می نمایم: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة. الامام راع و مسؤول عن رعیتة. و الرجل راع فی اهله و هو مسؤول عن رعیتة. و المرأة راعیة فی بیت زوجها و مسؤولة عن رعیتها. و الخادم راع فی مال سیده و مسؤول عن رعیتة... و الرجل راع فی مال ابیه و مسؤول عن رعیتة» (بخاری، ۱۴۰۳ هـ، ۲۱۵).

دو نکته‌ی کلیدی از این فرمایش فهمیده می شود:

- ۱) عمومیت و فراگیری مسؤولیت و حسابرسی (جمعی، فردی، غنی، فقیر، رهبری، مردم، مسؤولین، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مدنی)؛
- ۲) منظم و قاعده مند بودن محاسبه و مسؤولیت پذیری؛ طوری که از هرگونه تداخل و تنش بازدارد به عمل می آید، چون مراجع، ساحات، نوع رفتار و روش های پاسخ گویی و مسؤولیت پذیری به گونه ای تعریف و تعیین شده است. برون داد: در واقع همان تابع تولید و برون دادش می باشد. و در دولت نبوی، توانایی همگانی برای رشد، ادامه و اداره‌ی سالم و سازنده‌ی حیات انسانی بر محور توحید در سایه‌ی ولایت نبوی است.

حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند می‌خواهد تا مکه را محترم و محل امن و آرامش برای ساکنین و اهلس قرار بدهد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین درخواستی را از خداوند برای مدینه می‌کند. «عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال ان ابراهیم حرم مکه و دعا لاهلها و انی حرمت المدینة کما حرم ابراهیم مکه و انی دعوت فی صاعها و مدها بمثل ما دعا به ابراهیم لاهل مکه» (النیسابوری، بی‌تا، ۱۱۲).

روشن است که امنیت و محترم شدن و ماندن یک جامعه لوازم و عوامل می‌طلبد، که از شمار آن عوامل و عناصر ایمان استوار، پویش هدف‌مند و توانایی همگانی برای بقا، تکامل و مدیریت سالم و شایسته تمامی عوامل حیات آدمی می‌باشد. از آنجا که رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله جهانی و معطوف به همه‌ی مردم است، طبعاً چنین خواست و دورنمایی نیز برای همه‌ی آدمیان است که به حقیقت توحید عمل می‌نمایند، و مخصوص «مدینه» یا «مکه» نمی‌باشد.

## نتیجه

از مجموعه مطالب و مسائلی که در این نوشتار تحلیل و ارزیابی گردید، به این نتیجه می‌رسیم که ولایت همچون شأنی از شؤن حکومتی و مدیریتی پیامبر صلی الله علیه و آله، در ساحت اجتماع و سیاست به وسیله‌ی بیعت چهار سازوکار یاد شده را با همان ویژگی‌ها در بر داشته، و از این راه به صورت اجرایی و عملیاتی در می‌آید. بنابراین بیعت به گونه‌ای سازوکار مردم سالارانه‌ی ولایت نبوی به مثابه حاکم سیاسی و مدیر جامعه می‌باشد.

## پی‌نوشت‌ها

(۱) شومپتر همین گونه به تصویر در آورده است:

J.A.schumpeter. capitalism, socialism and democracy. 5th edn (london: unwin university; Books, 1952) p. 269.

و نیز دیدگاه‌های فوکویاما به گونه‌ای چنین تصویری را در مورد دموکراسی لیبرال دنبال می‌کند.

(۲) رابرت دال بر این (حقوق) در تصویر دموکراسی تأکید دارد. برای مطالعه و آگاهی از نظریات ایشان

در این مورد رجوع شود به: جهاننگلو، رامین (۱۳۸۳)، جهانی بودن - پانزده گفت و گو با اندیشمندان جهان امروز. صص ۶۹-۸۹. تهران، نشر مرکز. (گفت و گو با رابرت دال).

## منابع و مأخذ

- ۱) ابن کثیر، اسماعیل (۱۳۹۸ هـ)، السیره النبویه، ج ۲، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲) ابو حامد، عبدالحمید بن هبه الله بن ابی الحدید (۱۴۰۴ هـ)، شرح نهج البلاغه، ج ۱۹، قم، مرعشی نجفی.
- ۳) الحر العاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۲)، وسایل الشیعه، ج ۱۱، تهران، الاسلامیه.
- ۴) النیسابوری، مسلم بن حجاج (بی تا)، صحیح مسلم، ج ۶ و ۸، بیروت، دارالفکر.
- ۵) الیحصبی، قاضی ابی الفضل عیاض (۱۴۰۹ هـ)، الشفا بتعریف حقوق المصطفی، ج ۱، بیروت، دارالفکر.
- ۶) بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ هـ)، صحیح بخاری، ج ۱، باب الجمعة فی القرى والمدن، بیروت، دارالفکر.
- ۷) جهاننگلو، رامین (۱۳۸۳)، جهانی بودن؛ پانزده گفت و گو با اندیشمندان جهان امروز، (گفت و گو با رابرت دال)، تهران، نشر مرکز.
- ۸) حمیدالله، محمد (۱۳۷۷)، نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد ﷺ، ترجمه‌ی سید محمد حسینی، تهران، سروش.
- ۹) دال، رابرت (۱۳۷۸)، درباره دموکراسی، حسن فشارکی. تهران، مؤسسه‌ی نشر و پژوهش شیرازه.
- ۱۰) دراگر، پیتر اف (۱۳۷۴)، جامعه پس از سرمایه‌داری، محمود طلوع، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۱) صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ هـ)، عیون اخبار الرضا، ج ۱، بیروت، الاعملى للمطبوعات.

- ۱۲) طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ هـ)، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، قم، مؤسسه ی آل البيت لاحیاء التراث.
- ۱۳) مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ هـ)، بحار الانوار، ج ۱۹، بیروت، مؤسسه ی الوفا.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی